



فتح قلوب علوی و غلبه نجدی؛ دو مسیر و الگوی عربی و اعرابی انتشار اسلام در جهان

اسلام در طول تاریخ خود با دو محور توسعه و گسترش پیدا کرده است، یکی با محور فتح قلوب که به وسیله کسانی که آئین و سیره اهل بیت(ع) را گسترش داده‌اند مسیر خود را از ایران تا شبه قاره هند گشود و دیگری اسلام نجدی که با چیرگی قدرت شمشیر به سمت شمال آفریقا رفت.

اسلام در طول تاریخ خود با دو محور توسعه و گسترش پیدا کرده است، یکی با محور فتح قلوب که به وسیله کسانی که آئین و سیره اهل بیت(ع) را گسترش داده‌اند مسیر خود را از ایران تا شبه قاره هند گشود و دیگری اسلام نجدی که با چیرگی قدرت شمشیر به سمت شمال آفریقا رفت.

به گزارش خبرگزاری قرآنی ایران(ایکنا)، صادق آئینه‌وند، استاد تاریخ اسلام دانشگاه تربیت مدرس و چهره ماندگار جمهوری اسلامی ایران، عصر امروز، 17 آبان‌ماه در مراسم اختتامیه همایش ژئوپلیتیک شیعه در سخنان خود با اشاره به این نکته که اسلام در طول تاریخ خود با دو محور توسعه و گسترش پیدا کرده است، اظهار کرد: انتشار اسلام، یکی با محور جنگ و جهاد و دیگری با محوریت رفتار و سیره بزرگان اسلام صورت پذیرفته است.

آئینه‌وند این دو محور را دارای تحقق تاریخی و جغرافیایی مشخص دانست و عنوان کرد: اسلامی که از حجاز به کوفه، از کوفه به یمن، از یمن مجدداً به کوفه و از کوفه به ایران و از ایران به شبه قاره و جنوب شرقی آسیا رسید، اسلامی است که به وسیله کسانی که آئین و سیره اهل بیت(ع) را گسترش داده‌اند، منتشر شد و آن را اسلام علوی می‌نامیم. اما مسیر دیگری که اسلام در انتشار خود پیمود، مسیری بود که با آن از مدینه به عراق و شام و از آن جا به دریای مدیترانه و شمال آفریقا منتقل شد و آنچه از این طریق منتقل شد، اسلام نجدی بود. در واقع يك مسیر به فتح قلوب گشوده شد و دیگری که فتحی تغلبی(به معنای چیرگی) بود به شمشیر.

وی هدف از طرح این مسئله را نه زیر سؤال بردن فتح تغلبی، بلکه بررسی ریشه‌های معرفتی دانست که در حال حاضر وجود دارد و افزود: در حقیقت وقتی این دو مسیر را مطالعه می‌کنیم، می‌بینیم که این دو از لحاظ فرهنگی و فکری و از نظر تولید علم و تکنیک، هم وزن هستند؛ در حالیکه از زمان امیرالمؤمنین(ع) تاکنون بین 18 تا 20 درصد از مسلمانان را جمعیت فتح قلوب تشکیل داده‌اند و 80 تا 82 درصد از مسلمانان از مسیر دیگر بوده‌اند. این نکته ما را به این نتیجه می‌رساند که در حقیقت، آن بخشی که از طریق قلب و فرهنگ و تمدن شکل گرفته است، بیشتر با اندیشه و فکر سازگار بوده است.

استاد تاریخ اسلام دانشگاه تربیت مدرس سیر تساوی فرهنگی بخش 20 درصدی با بخش 80 درصدی تمدن اسلامی را در منشأهای آن‌ها دانست و گفت: در قرآن کریم دو کلمه «اعرابی» و «عربی» به کار رفته است. اعرابی بر اساس آنچه در سیره و حدیث و تفسیر مراد شده است، بدویان هستند که ساختار قبیله‌ای خود را حفظ کرده‌اند و رفتارهایی خشن دارند و قرآن آنان را این‌گونه توصیف می‌کند که دل آنان نرم نیست و به فرهنگ علاقه‌ای ندارند، آنان تابع نظام و قانون و شریعت نیستند و حتی قانون‌شکنند و محیط را به هم می‌ریزند.

این چهره ماندگار رشته تاریخ در خصوص واژه عربی اظهار کرد: عربی بر کسی اطلاق می‌شود که به تمدن نزدیک‌تر است و خشونت‌طلبی بدوی را ندارد؛ عربی کسی است که قانون را می‌پذیرد و جامعه‌پذیر است. بر این اساس می‌توان گفت مسیر نجدی از خشونت‌طلبی بهره گرفته است و مسیر دیگر همان محور عربی است که به تمدن نزدیک‌تر بوده است.

آئینه‌وند در ادامه دو اصطلاح هجرت تنزیلی و هجرت تأویلی را مطرح و عنوان کرد: هجرت تنزیلی، هجرت پیامبر(ص) به مدینه بود و این هجرت همبسته با جهاد، پس از فتح مکه به پایان خود رسید؛ چرا که پس از فتح تمامی شبه جزیره عربستان دیگر هجرت معنا نداشت و آن چه باقی بود جهاد و نیت بود.

وی ادامه داد: هجرت تأویلی انتقالی بود که توسط امیرالمؤمنین(ع) به کوفه صورت گرفت و از طریق کوفه، به عنوان مهجر تأویلی امیرالمؤمنین(ع)، مسیر خود را به ایران و سپس تا شبه قاره هند باز کرد. آن چه در اینجا تحقق یافت، صورت بستن بصیرت بود که خط سبز علوی را رقم زد و با رویکرد تمدن‌ساز و انسان‌پرور خود، یکی از دو الگوی گسترش اسلام شد.

استاد تاریخ اسلام دانشگاه تربیت مدرس در پایان خاطرنشان کرد: تاکنون از این منظر به مطالعه اسلام و گسترش و انتشار آن پرداخته نشده است، درحالی که محور عربی یا همان محور تمدنی که با الگوی علوی شکل گرفته است، مسیری ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک است که امیدواریم به جهت ضرورت ترسیم نقشه‌ها و الگوهای حرکتی جدید برای شیعه، پژوهشگران اقدام به پژوهش درباره آن کنند.

